



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 11, No. 1, 2022
Research Paper

Semantic Study on Quranic Proverbs in Surah Bagara based on the Theory of Image Schemas

Houman Nazemian, Ali Salman Azmoon.

Associate Prof. Arabic Language and literature. Kharazmi University,
Tehran, Iran

Ph.D. student in Arabic Language and Literature. Kharazmi University,
Tehran, Iran

Abstract

In modern language studies, the semantic view is one of the most practical methods of research. From the theories in this field that linguistic-literary works are studied in their beam, the theory of image schema is an image that refers to the conceptualization of abstract concepts through a structured sensory experience in the mind. Among them, proverbs are one of the most important literary fields in which many non-objective concepts have been introduced. The Holy Quran contains rich and wise Proverbs, whose examination through Johnson's theory of image schemas will clarify the mechanism of transferring abstract concepts to human perception and understanding their deep meanings. Based on this, the present research examines the Proverbs of Surah al-Baqarah, which are full of abstract concepts, using the mentioned theory. The purpose of this research is the cognitive explanation of the concepts used in the Proverbs, using the descriptive-analytical method and relying on the semantic findings. The results of this study show that volumetric schemas have the highest frequency among the types of schemas, which is more in harmony with the objectification of concepts in Proverbs. On the other hand, many important Quranic concepts such as guidance, hereafter, religion, piety, verse, patience, etc. have come in the form of volumetric schemas to be sensible and tangible for the audience and placed in the scope of human understanding. Abstract concepts are expressed in the framework of sensory experiences. These experiences cause the meaning of a specific concept to be understood in addition to lexical level, on a broader level that encompasses the specific sensory experience of that concept.

Keywords: Cognitive Semantics, Image Schemas, Holy Quran, Sura Bagara, Proverbs.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).

 <https://doi.org/10.22108/NRGS.2023.133581.1777>

بررسی معناشناختی مثل‌های سائرهٔ سورهٔ بقره بر اساس نظریهٔ طرح‌واره‌های تصویری

هومن ناظمیان^۱، سلمان آزمون علی آباد^۲

۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

nazemian@khu.ac.ir

۲- دانشجوی زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

salman@khu.a.cir

چکیده

در مطالعات زبانشناختی جدید، نگاه معناشناختی یکی از کاربردی‌ترین شیوه‌های پژوهش است. نظریهٔ طرح‌واره‌های تصویری، یکی از نظریات معناشناختی است که به وسیلهٔ آن آثار زبانی - ادبی بررسی می‌شوند. این نظریه به مفهوم‌سازی مفاهیم انتزاعی اشاره دارد که از طریق تجربیات حسی ساختارمند در ذهن به وجود می‌آید. در این میان، مثل‌ها یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ادبی است که همواره بسیاری از مفاهیم غیر عینی در آن مطرح می‌شوند. در همین راستا قرآن کریم مثل‌های پرمایه و حکیمانانه‌ای را در خود جای داده است که بررسی آنها در پرتو نظریهٔ طرح‌واره‌های تصویری جانسون، سبب روشن شدن سازوکار انتقال مفاهیم انتزاعی به ادراک انسانی و پی‌بردن به معانی عمیق آنها خواهد شد. بر همین اساس، در پژوهش حاضر، مثل‌های سورهٔ مبارکهٔ بقره که سرشار از مفاهیم انتزاعی است، با استفاده از نظریهٔ مذکور و با هدف تبیین شناختی مفاهیم به‌کاررفته در مثل‌ها، به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر یافته‌های معناشناختی بررسی می‌شوند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهند طرح‌واره‌های حجمی بیشترین بسامد در میان انواع طرح‌واره‌ها را دارند که این امر با عینی‌سازی مفاهیم در مثل‌ها هماهنگی بیشتری دارد. همچنین، بسیاری از مفاهیم مهم قرآنی مانند هدایت، آخرت، دین، تقوی، آیه، صبر و ... در قالب طرح‌وارهٔ حجمی آمده‌اند تا برای مخاطب محسوس و ملموس جلوه کنند و در دایرهٔ فهم انسانی که به محسوسات تمایل دارد، بگنجد. مفاهیم انتزاعی در چهارچوب تجربیات حسی بیان شده‌اند؛ این تجربیات سبب می‌شوند معنای یک مفهوم خاص علاوه بر سطح واژگانی، در سطح گسترده‌تری درک شود که تجربهٔ حسی خاص آن مفهوم را فرا می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

معناشناسی شناختی، طرح‌واره‌های تصویری، قرآن کریم، سورهٔ بقره، مثل‌های سائره

۱- طرح مسئله جایگاه بسیار مهمی در بررسی آثار ادبی دارند؛ زیرا این

امروزه پژوهش‌های معناشناختی در حوزهٔ زبانشناسی پژوهش‌ها معانی عمیق موجود در یک اثر را می‌شکافند تا

می‌کنند. در این میان، قرآن کریم که یک معجزه زبانی در اوج فصاحت و بلاغت است، مثل‌های زیادی را ذکر کرده است. مثل‌ها جایگاه بسیار مهمی در این کتاب آسمانی دارند؛ زیرا به فرموده خداوند متعال، جنبه‌های مختلف زندگی بشر، شامل هر آنچه تمثیل‌پذیر است، را در بر می‌گیرند. آنجا که در آیه ۲۷ سوره زمر می‌فرماید: (وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ). بر همین اساس، بحث و بررسی مثل‌های قرآن از جنبه‌های مختلف نه تنها مفید است، امری لازم به نظر می‌رسد و این در حالی است که بسیاری از خود این مثل‌ها، انسان را به تفکر در آنها فرا می‌خوانند. همچنین، با توجه به اینکه بعد شناختی مثل‌های قرآنی، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، با بررسی آنها در پرتو نظریه طرح‌واره‌های تصویری می‌توان به شکل عمیق‌تری به آنها نگریست و معانی و مفاهیم آنها را مطالعه و تبیین کرد. در همین راستا در پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و نگاه زبانشناختی، مثل‌های سائره در سوره بقره که شامل عباراتی از قرآن است و در گفتار مردم بنابر اختصار و حکمت والای موجود در آن به شکل ضرب‌المثل درآمدند، با تکیه بر نظریه مذکور، بررسی و تبیین شناختی شده‌اند. سؤالات مدنظر این پژوهش به شرح زیرند:

- طرح‌واره‌های تصویری چه کارکردی در مثل‌های سائره سوره بقره دارند؟
- بسامد انواع طرح‌واره‌های تصویری در آیات مربوطه چگونه است و بیان‌کننده چیست؟
- طرح‌واره‌های تصویری چه جایگاهی در شناخت معنای مثل‌ها دارند؟

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره مثل‌های قرآن انجام شده است که البته در حوزه شناختی به‌طور مستقل نبوده‌اند؛ به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مقاله «پژوهشی در وجوه بیانی مثل‌های قرآنی» به قلم

به لایه‌های پنهان آن دست یابد و به معانی فراتر از معنای ظاهر برسند. از دستاوردهای ارزشمند در حوزه معناشناسی شناختی^۱، نظریه طرح‌واره‌های تصویری^۲ است که نخستین بار جانسون^۳ (۱۹۸۷م) در تبیین ساختار مفاهیم انتزاعی به کار گرفت. لیکاف^۴ نیز تلاش‌هایی را در این حوزه به کار بسته است (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵). علیرضا قائمی‌نیا از پژوهشگرانی است که این نظریه را در تبیین مفاهیم قرآنی به کار برده است.

باید در نظر داشت طرح‌واره‌های تصویری با مفهوم تصویر هنری متفاوت‌اند؛ زیرا تصویر هنری به تصویرپردازی‌های موجود در عبارات تکیه دارد؛ اما طرح‌واره‌های تصویری به سازوکار ذهن در درک مفاهیم مربوط می‌شود. این نظریه به جایگاه تجربیات حسی انسان در تبیین مفاهیم مختلف، به‌ویژه انتزاعی، توجه دارد و بر این اعتقاد است که انسان مفاهیم غیر حسی را براساس تجربیات حسی ادراک می‌کند که در ذهن ساختارمند شده است؛ تجربیاتی که از بدو تولد در تعامل با محیط پیرامون به‌صورت الگویی در ذهن نقش می‌بندند؛ برای مثال، انسان با توجه به درک حسی «بالا یا پایین» بودن اشیای پیرامون، برای بسیاری از مفاهیم غیر حسی بالا یا پایین بودن تصور می‌کند. به‌طور مثال، آنگاه که گفته می‌شود «اعتمادها پایین آمده» برای مفهوم انتزاعی اعتماد حرکت به پایین، متصور و به‌صورت چیزی محسوس درک شده است.

با توجه به ظرفیت این نظریه در شناخت معنی، می‌توان از آن در تبیین مفاهیم قرآنی استفاده کرد. در قرآن کریم مفاهیم انتزاعی بسیاری مطرح شده‌اند که از آن جمله در مثل‌های قرآنی است. اهمیت مثل در زبان عربی بر هیچ‌آشنایی با این زبان، پنهان نیست. مثل‌ها از قوی‌ترین اسالیب بیان‌اند که زیبایی‌های زبانی بسیاری در خود دارند و معانی بسیار گسترده‌تری نسبت به الفاظشان را منتقل

¹ cognitive semantics

² Image schema

³ Mark Johnson

⁴ George Lakoff

منصوره زرکوب و مرضیه فیاض که در مجله کاوش در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم، سال دوم، شماره اول در سال ۱۳۹۲ش، به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی وجوه بیانی از قبیل تشبیه و استعاره در مثل‌های قرآن با مقایسه سوره‌های مکی و مدنی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تشبیه و کنایه در مثل‌های مربوط به سوره‌های مکی بیشتر است و استعاره در مثل‌های سوره مدنی.

مقاله دیگری با عنوان «جمال الأمثال فی سورة البقرة» نوشته ایمان بنت مسعود علی الشهرانی در مجله دراسات عربیة فی التریب و علم النفس در عربستان سعودی، شماره ۵۴ در سال ۲۰۱۴م منتشر شده است. نویسنده در این مقاله، زیبایی‌های کلی مثل‌های سوره بقره و اهداف تربیتی آنها را بررسی می‌کند و بیان می‌دارد این مثل‌ها در راستای تبیین مقاصد والای انسانی به شکلی آشکار و تبیین‌گر به کار رفته که فراتر از زمان و مکان است.

و اما مقاله‌ای که به‌طور خاص بحث طرح‌واره‌های تصویری در مثل‌ها را، البته نه در قرآن، بررسی کرده، مقاله «تحلیل شناختی اقسام طرح‌واره‌های تصویری مثل‌ها در نهج البلاغه» نوشته علی اصغر شهبازی و علیرضا شیخی است. این مقاله در فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال نهم، شماره ۳۵ در پاییز ۱۴۰۰ش منتشر شده است. نویسندگان در این مطالعه به بررسی انواع طرح‌واره‌های تصویری براساس الگوی ایوانز و گرین^۱ در نهج البلاغه پرداخته‌اند. ایشان بیان می‌دارند توصیف حسی پدیده‌های انتزاعی در مثل‌های مربوطه، در جهت ذهن ساده عرب آن زمان بوده است. در این مثل‌ها طرح‌واره‌های فضا، نیرو، ظرف بودگی و ... برای مفهوم‌سازی پدیده‌های مجرد استفاده شده است.

مقالات دیگری نیز وجود دارند که طرح‌واره‌های تصویری را در موضوعات مختلف قرآن مطالعه کرده‌اند؛

از جمله: مقاله «بررسی طرح‌واره‌های تصویری "عذاب" در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی» به قلم مهدی عابدی جزینی، نفیسه ربانی و زهره ربانی است که در فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء در سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷ش به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی انواع طرح‌واره‌های تصویری در واژه انتزاعی عذاب پرداخته و به این نتیجه رسیده است که خداوند متعال با بهره‌گیری از طرح‌واره‌های متعددی از جمله حجمی و قدرتی، مفهوم انتزاعی عذاب را با استفاده از تعامل فیزیکی با پدیده‌های بیرونی، در گستره وسیعی بیان می‌کند.

مقاله دیگری با عنوان «طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر دنیوی و اخروی از زبان قرآن» از مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری در فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵ش به چاپ رسیده است. پژوهشگران در این مقاله، طرح‌واره‌های تصویری درباره زندگی دنیا و آخرت را در قرآن بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند طرح‌واره‌های حرکتی، حجمی، قدرتی، موقعیت بالا و پایین، عقب و جلو، خطی، نزدیکی و دوری در حوزه مدنظر به کار رفته‌اند که سبب تصور دقیق از سفر دنیوی و اخروی می‌شود.

کتاب‌هایی نیز در حوزه مثل‌های قرآن نگاشته شده‌اند که از مهم‌ترین آنها کتاب معجم الأمثال فی القرآن الکریم اثر سمیع عاطف الزین و کتاب أمثال القرآن الکریم اثر ابن یوسف ضیاء‌الدین الحدائق الشیرازی است. به‌طور کلی در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته در مثل‌های قرآن، پژوهشی یافت نشد که به بررسی معناشناختی مثل‌های سوره بقره در پرتو نظریه طرح‌واره‌های تصویری پرداخته باشد.

با توجه به اینکه نظریه طرح‌واره‌های تصویری از مسائل حوزه معناشناختی است و در بطن آن شکل گرفته است و زیرشاخه آن محسوب می‌شود، ابتدا به توضیح و تعریف آن پرداخته می‌شود.

۳- معناشناسی شناختی

معناشناسی شناختی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی است. این رویکرد، واکنشی در مقابل دیگر رویکردهای این حوزه بود که سازمان شناختی را از نظام زبانی حذف می‌کردند؛ از همین رو، معناشناسی شناختی، زبان را بخشی از ساختار شناختی می‌داند و قائل به استقلال زبان از سایر قوای شناختی نیست و به همان نسبت، دانش زبانی را نیز بخشی از شناخت عام انسانی به حساب می‌آورد (صفوی، ۱۳۸۲ش، ص ۶۶؛ بلقیس و اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۹). این رویکرد معنای زبانی را به‌مثابه تجلیگاه ساختار مفهومی در نظر می‌گیرد که به معنای سازمان بازنمایی ذهنی است (بلقیس و اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۳)؛ یعنی اینکه زبان بازنمودی از تجربیات و مفاهیمی است که در ذهن شکل گرفته است.

«از نظر معناشناسان شناختی، انسان تجربه‌هایی را که از محیط اطراف خود کسب می‌کند، در ذهن به‌صورت مفاهیم انبار می‌کند. این مفاهیم برای برقراری ارتباط با دیگران و از همه مهم‌تر، برای تفکر استفاده می‌شوند. شالوده تفکر معناشناسان شناختی این واقعیت است که دانش زبانی، بخشی از شناخت عام آدمی است» (همان، ص ۱۹)؛ بنابراین، ارتباط ما با محیط پیرامون و نحوه تعامل ما با آن، تجربیاتی می‌شوند که به شکلی ساختارمند در ذهن جای می‌گیرند و به بنیان فکری ما و به تبع آن، به معانی‌ای جهت می‌دهند که در نهایت توسط تعابیر در عرصه زبان تجلی می‌یابند. بر همین اساس، آنچه ما به‌عنوان دانش زبانی از آن برخورداریم و در تعامل با دیگران، آن را به کار می‌بریم، از طریق شناخت ما از جهان (در طی تجربه‌های کسب‌شده) به‌واسطه ذهن به دست می‌آید؛ بنابراین، تجربیات ما از بدو تولد، سنگ بنای دانش زبانی ما است.

معناشناسی شناختی اصولی دارد؛ یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین آنها اصل «بدن‌مندی شناخت» است که ساختار مفهومی را بدن‌مند می‌داند؛ به این معنی که تولید یک مفهوم در ذهن به‌واسطه روابطی صورت می‌پذیرد که

انسان از ارتباط محیط با جسم به دست می‌آورد. براساس این اصل، مفاهیمی که در زبان بروز می‌کنند، برآمده از تجربه حسی انسان هستند که در تعامل با محیط پیرامون به دست آمده‌اند؛ یعنی به‌واسطه تجربه‌های حسی، مفاهیم نیز به عرصه ظهور می‌رسند و با آنها به مانند چیزی دارای بدن برخورد می‌شود (همان، ص ۲۴).

یکی از تجربیات اساسی که در ذهن، ساختاری مفهومی را به وجود می‌آورد، تجربه حجمی‌شدگی است؛ به این معنی که انسان در تعامل با جهان، خود را موجودی دارای حجم درک می‌کند که لازمه آن قرارگرفتن در ظرف مکان است. این تصور در نتیجه تجربه‌های مکانی ثابت و همیشگی ما و به عبارت دقیق‌تر، در نتیجه تعامل ما با محیط فیزیکی به وجود آمده‌اند» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷ش، ص ۱۰۴). بر همین اساس، انسان برای ادراک بسیاری از مفاهیم انتزاعی نیز برایشان حجم در نظر می‌گیرد. مفاهیمی که با حجمی‌شدگی تداعی می‌شوند، نمونه‌ای است از آنچه زبان‌شناسان شناختی آن را طرح‌واره تصویری می‌نامند (بلقیس و اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۵).

۳-۱. طرح‌واره‌های تصویری

این نظریه با پرسش لیکاف و جانسون (۱۹۸۰م) درباره منشأ پیچیدگی ساختار ذهن درخصوص چگونگی ادراک مفاهیم شروع شد (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵) و این پاسخ را در پی داشت که این پیچیدگی به سبب ارتباطی است که انسان میان ویژگی‌های جسمی - که از تعامل با محیط به دست می‌آورد - و انواع مفاهیمی برقرار می‌کند که با استفاده از آن ویژگی‌ها می‌تواند بسازد. به عبارت دیگر، استفاده از ویژگی‌های جسمانی در ادراک مفاهیم مختلف، منشأ این پیچیدگی است؛ بنابراین، تجربیاتی که ما به شکل فیزیکی به دست آورده‌ایم، بنیان ساختن مفاهیم مختلف در ذهن است و در همین راستا تجربه جسمی‌شده باعث به وجود آمدن طرح‌واره‌های تصویری در نظام مفهومی می‌شود (همان، صص ۴۵ و ۴۶).

به صورت الگو و طرح ثابت جا گرفته‌اند و ذهن در هنگام ادراک مفاهیم مختلف، به‌ویژه انتزاعی، از آن الگو و طرح‌ها استفاده می‌کند تا با ملموس کردن آن مفاهیم، آنها را ادراک‌پذیر کند؛ زیرا ساختار ذهن به محسوسات و ملموسات تمایل دارد.

بر اساس تحلیل جانسون در خصوص طرح‌واره‌های تصویری، می‌توان آنها را بنابر تقسیم‌بندی صفوی (۱۳۸۳ش) به سه دسته طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی تقسیم کرد که تعریف و مثال‌های مربوط به هر یک در بررسی مثل‌های قرآن در سوره بقره در ادامه ذکر شده‌اند.

۴- مثل‌های قرآنی

مثل‌ها همواره یکی از مهم‌ترین راه‌های فکری برای نشان‌دادن حالات زندگی مانند غم‌ها، شادی‌ها، سختی‌ها و ... بوده‌اند؛ از همین رو، از لحاظ فرهنگی نشان‌دهنده عمق تفکر و رفتار در جوامع بشری است (الزین، ۲۰۰۹م، ص ۲۰). مثل، سخن رایج و شایعی است که به وسیله آن حالت دومی به حالت اول مانند شود؛ یعنی حالتی که به تازگی حادث می‌شود را به حالتی تشبیه می‌کند که پیش از آن حادث شده و شبیه به آن است (محمد قاسمی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹). مثل انواعی دارد که از جمله آن مثل سائر است که بر جمله‌های مختصر، نظم یا نثر، اطلاق می‌شود که مشتمل بر پند یا دستور یا قاعده اخلاقی است و به سبب سادگی، روانی و کمال ایجاز، همگان به آن استشهاد می‌کنند؛ به این نوع مثل ضرب‌المثل هم می‌گویند (همان، ص ۲۵).

مثل‌ها در قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارند. خداوند متعال به صورت گسترده از مثل‌ها برای تبیین مسائل مختلف استفاده کرده است. بحث و بررسی این مثل‌ها امری ضروری است تا بتوان به معانی عمیق آن رسید و به پیام‌های نهفته در آن دست یافت. درخور ذکر است اساس مثل‌های پژوهش‌شده این

با توجه به اصل جسم‌مندی و مکان‌مندی در طرح‌واره‌های تصویری - که از تجربیات حسی به وجود آمده‌اند - آنها می‌توانند به مفاهیم انتزاعی اجازه بروز دهند؛ این بدان معنی است که مفاهیم، بعد از آنکه به واسطه تجربه به وجود می‌آیند، می‌توانند در سطوح انتزاعی تری به کار روند. به عبارت دیگر، ما در تعامل با محیط و با کسب تجربه‌های حسی، طرح‌های بنیادینی در ذهن به وجود می‌آوریم که برای اندیشیدن درباره امور انتزاعی‌تر از آنها استفاده می‌کنیم (صفوی، ۱۳۸۲ش، ص ۶۸). تجربه‌های حسی از بدو تولد در تعامل با محیط پیرامون، الگوهای ثابتی را در ذهن تولید می‌کنند. این الگوهای ثابت، ساختارهای مفهومی (قالب‌هایی که مفاهیم انتزاعی برای ادراک‌شدن در آنها ریخته می‌شوند) را به وجود می‌آورند که در نهایت به عرصه زبان انتقال می‌یابند؛ برای مثال، در جملات:

- من در محبت تو غرق شده‌ام / از عقلانیت خارج شد

می‌بینیم که طرح‌واره‌های حجمی به قلمرو مفاهیم انتزاعی تری مانند محبت و عقلانیت وارد شده‌اند. گویا محبت و عقلانیت دو چیز دارای حجم و مکان‌مند هستند که می‌توان در آن وارد و از آن خارج شد (همان، ص ۲۶). در عبارت قرآنی (... وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ...) نیز دو مفهوم انتزاعی «فتنه و قتل» با استفاده از تجربه حجم‌مندی بیان شده‌اند. گویا دو چیز دارای حجم و محسوس هستند که می‌توان آنها را اندازه گرفت. ملاحظه می‌شود این دو مفهوم با استفاده از تجربه‌ای که انسان از بزرگ و کوچک بودن اشیا به دست آورده است، به عرصه محسوسات وارد شده‌اند تا بتوان آنها را ادراک کرد.

جایگاه طرح‌واره‌های تصویری در ذهن ما به گونه‌ای است که اطلاعات ذهن متناسب با آنها نظام می‌یابد و هرگز بدون آنها امکان فهمیدن و تفکر در ذهن وجود نخواهد داشت (العامری، ۲۰۲۰م، ص ۳۷۰). به‌طور کلی، طرح‌واره‌های تصویری تجربیاتی حسی هستند که در ذهن

ظرف‌های انتزاعی تصور کند (صفوی، ۱۳۸۲ ش، ص ۶۸)؛ برای مثال، در جمله «وارد ماتم شده» می‌بینیم ماتم به صورت ظرفی دارای حجم در نظر گرفته شده است که انسان می‌تواند در آن قرار گیرد. بر همین اساس، مفهوم انتزاعی ماتم در این موقعیت خاص، این‌گونه به شکلی جسمی شده طرح شده و در دایره فهم گنجد است. «دلیل این امر، آن است که شناخت ما از مفاهیم ذهنی براساس مفاهیم عینی شکل می‌گیرد و این مفاهیم عینی را جسم و بدن ما تجربه می‌کنند یا به عبارتی، مفاهیم «جسمی شده» هستند» (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۳). باید در نظر داشت طرح‌واره حجمی مفهومی است که دارای عناصر درون، بیرون و مرز است و با درک این حالات است که می‌توان حجمی‌شدگی را تصور کرد. حال نمونه‌های این نوع از طرح‌واره تحلیل می‌شوند:

در آیه ۵ سورۀ بقره، تعبیر (أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ...) مفهوم هدایت جلوه کرده که مفهومی انتزاعی، به گونه‌ای حجمی شده است. گویا هدایت مکانی است که متقین بر بالای آن قرار دارد. این برداشت از حرف «علی» به دست می‌آید که «چه براساس حقیقت و چه براساس مجاز بر استعلاء دلالت دارد» (السامرائی، ۲۰۰۰ م، صص ۴۷-۴۸)؛ بنابراین، مفهوم هدایت در قالب طرح‌واره حجمی نمود یافته و با توجه به تجربه حسی انسان از بالا قرار گرفتن چیزی تبیین شده است. با این شناخت حسی، تعبیر مذکور بسیار زیبا به نظر می‌رسد؛ زیرا انگار هدایت مکانی است که متقین بر بالای آن قرار دارد؛ یعنی در صدر آن است و بر آن اشراف و تسلط دارد. در این تعبیر، براساس بلاغت حرف علی استعاره تبعیه را به وجود آورده است؛ طوری که «دارابودن هدایت» به «روی هدایت قرار داشتن» مانند شده و بدین طریق کیفیت هدایت‌یافتگی متقین بیان شده است؛ اما طرح‌واره تصویری در این آیه بیان‌کننده آن است که مفهوم هدایت از طریق تجربه حجم‌مندی و مکان‌مندی بیان می‌شود که در ذهن انسان به‌عنوان یک الگو وجود دارد و بدین طریق، وارد حوزه

مقاله، کتاب ارزشمند «امثال القرآن الکریم» حدائق شیرازی است که در آن اهتمام نویسنده بر مثل‌های سائره قرآنی است؛ بنابراین، در این پژوهش نیز مثل‌های سائره در سورۀ بقره مطالعه شده‌اند که تفصیل آن آمده است.

۴-۱ طرح‌واره‌های تصویری در مثل‌های سائره سورۀ

بقره

مثل‌های قرآنی سرشار از مفاهیم والای انسانی است که بسیاری از آنها مفاهیمی انتزاعی هستند که در فحوای مثل‌ها، به شکلی عینی و محسوس جلوه‌گر می‌شوند. قرآن کریم دارای عباراتی است که به شکل مثل سائره درآمده‌اند. کتاب *امثال القرآن الکریم* دربردارنده این نوع از مثل‌های قرآنی است که در پژوهش حاضر اساس کار قرار گرفته است؛ بنابراین، عبارت‌هایی که از آیات به‌عنوان ماده پژوهش در این مقاله آمده‌اند، نه به صورت تصادفی بلکه مواردی هستند که کتاب مذکور آنها را به‌عنوان مثل سائره گرد آورده است. همچنین، در این مثل‌ها، مفاهیمی بررسی شده‌اند که نخست، انتزاعی هستند و دوم، در پرتو تجربه حسی طرح شده‌اند و بدین شکل طرح‌واره تصویری را به وجود آورده‌اند. اکنون انواع طرح‌واره‌های تصویری براساس نظر جانسون و بنا بر تقسیم‌بندی صفوی (۱۳۸۳ ش)، در مثل‌های سورۀ بقره بررسی می‌شوند. شایان ذکر است طرح‌واره‌های تصویری مفاهیم انتزاعی را به ما نشان می‌دهند که در پرتو تجربه‌های حسی بیان شده‌اند و هدف در آن این است که مشخص شود یک مفهوم انتزاعی چگونه و با چه سازوکاری وارد دایره فهم و ادراک انسانی شده است. مسلماً این نوع بررسی با بررسی استعاره‌ای که به شباهت می‌پردازد، متفاوت است.

۴-۲. طرح‌واره‌های حجمی

انسان به سبب اینکه از بدو آشنایی با محیط همواره خود را در ظرف مکان یافته است، بدن خود را مظرور می‌داند. او با تعمیم این تجربه می‌تواند خود را در

ادراک بشری (محسوسات) می‌شود.

در آیه ۱۰ این سوره، عبارت (فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ...) تعبیری درباره نفاق‌پیشگان است که عبدالله بن ابی سلول از سران ایشان در مدینه بوده است. آنها کسانی بودند که به زبان ادعای ایمان به اسلام می‌کردند، ولی در دل قصد فریب داشتند. منظور از بیماری در این آیه، آفت تردید و حق‌ستیزی است که موجب عدم تعادل بین زبان و باطنشان شده است که از آن به مرض تعبیر شده است (طبرسی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۷). حال اگر طرح‌واره‌های تصویری در این عبارت مثل‌گونه بررسی شود، ملاحظه می‌شود منظور از قلب در این آیه، همان معنای انتزاعی آن (دل) است که به گونه‌ای حسی تجلی یافته است؛ یعنی دل به مثابه چیزی در نظر گرفته شده که دارای مکان است. این برداشت از حرف «فی» که بیان‌کننده ظرفیت است، به‌وضوح فهمیده می‌شود. همچنین، مرض که مفهومی انتزاعی است، چیزی دارای حجم مطرح شده که درون دل جای گرفته است؛ حال آنکه مرض عارضه‌ای است که انسان دچار آن می‌شود نه اینکه چیزی دارای حجم باشد که در اینجا نیز با توجه به تفسیر، منظور تردید و حق‌ستیزی است. با توجه به تعبیر عبارت، گویا مرض آنقدر زیاد و شدید است که دارای حجم شده و در ظرف دل جا گرفته است. با توجه به نوع تعبیر در مثل مذکور، دو مفهوم «قلب (دل) و مرض» در قالب طرح‌واره حجمی بیان شده‌اند. ملاحظه می‌شود طرح‌واره حجمی بنابر تجربه حجم‌مندی و مکان‌مندی در ذهن انسان، سازوکاری شده که ادراک دو مفهوم مدنظر را فراهم کرده است.

در مثل‌های بررسی‌شده، برخی از مفاهیم انتزاعی دیگری نیز براساس حرف جر «فی» به شکل طرح‌واره حجمی بیان شده‌اند که نمونه دیگری از آن ذکر می‌شود: در آیه ۱۷۹ تعبیر (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ...) مفهوم «قصاص» به شکل ظرف و مفهوم «حیاء» نیز مظرروف آن قرار گرفته و به شکلی حجم‌مند طرح شده است. از گذر این نگاه شناختی، زیبایی این تعبیر بیشتر مشخص می‌شود؛ آنجا که

مظرروف یعنی حیاء در ظرف قصاص جای گرفته است؛ از همین رو، شمولیت قصاص بر حیاء (که مظرروف آن شده است) اهمیت قصاص و گستردگی آن را بیشتر به نظر مخاطب می‌آورد. طوری که گویا قصاص مکانی است که زندگی در آنجا جاری می‌شود. تقدیم «فی القصاص» بر «حیاء» نیز مؤید این معنی است. در این مثل نیز دو مفهوم با استفاده از تجربه مکان‌مندی در سطح فهم بشری گنجانده‌اند.

برخی از طرح‌واره‌های حجمی نیز در مثل‌های مورد بحث براساس تجربیات دیگر طرح شده‌اند که بدان می‌شوند:

در آیه ۶۱ این سوره در تعبیر (وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ) دو مفهوم «الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» به معنی پستی و بیچارگی، مفاهیمی انتزاعی هستند که بدون واسطه با تجربه ضرب بیان شده‌اند؛ حال آنکه منظور داغ خواری و بیچارگی است و این شیوه بیان (ضرب ذلت و بیچارگی) شدت عمل را می‌رساند. گویا این دو مفهوم زده شده‌اند که از این نظر آنها را وارد فضای حسی کرده است؛ طوری که انگار قابل زدن (داغ‌زدن) هستند؛ بنابراین، به‌عنوان چیزی دارای حجم در قالب طرح‌واره حجمی بیان شده‌اند. شایان ذکر است اگر ضرب در این تعبیر به معنای مقررشدن در نظر گرفته شود، آنگاه این دو مفهوم به‌صورت مقصد جلوه کرده‌اند و طرح‌واره‌های حرکتی خواهند بود. گویا مقصدی هستند که بنی‌اسرائیل به سمت آن می‌روند (یعنی آنها به سمت خواری و بیچارگی حرکت می‌کنند)؛ یعنی این دو مفهوم با توجه به تجربه حرکت در ذهن انسان تبیین شده‌اند؛ اما براساس بیشتر ترجمه‌ها کلمه ضرب در این آیه به معنای داغ‌زدن گرفته شده است.

در آیه ۱۰۶ کلمه «آیه» در تعبیر (مَا نَسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا) با تجربه آوردن (نأتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا) آمده است که ریشه این عمل حسی در تعاملات فیزیکی انسان با اشیای دارای حجم است. کلمه آیه در پرتو همین تجربه، مفهوم‌سازی شده است. گویا یک چیز

بی‌واسطه، مفهوم خیر را به گونه‌ی حسی به نظر می‌آورد تا برای ذهن بشری ملموس باشد که با نظر به طرح‌واره موجود فهم‌پذیرتر است.

در آیه ۱۹۵ تعبیر (وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) دارای طرح‌واره‌ی حجمی دیگری است و آن مفهوم «التَّهْلُكَةُ» است. این مفهوم انتزاعی به صورت مکان‌مند و دارای حجم مطرح شده است. جایی که فعل «لَا تُلْقُوا ... إلى» تصور حجم‌مند بودن برای مفهوم هلاکت را به وجود می‌آورد و این براساس تجربه‌ی حسی در عمل انداختن است؛ گویا هلاکت مکانی است که می‌توان در آن افتاد. ملاحظه می‌شود مفهوم انتزاعی هلاکت در پرتو طرح‌واره‌ی حجمی به شکلی حسی جلوه کرده است. این شیوه بیان و استفاده از این سازوکار در ارائه مفهوم مذکور، توجه مخاطب را نیز بیشتر بر می‌انگیزد.

یکی دیگر از تعابیر بسیار زیبای قرآنی در قالب طرح‌واره‌ی حجمی، تعبیر (... وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ...) در آیه ۲۱۷ است. ادراک کوچک یا بزرگ بودن یک چیز در نظریه طرح‌واره‌های تصویری - مانند دیگر مفاهیم شناختی - برآمده از تعاملات فیزیکی ما با محیط و اشیای پیرامون است که در طی تجربیات متوالی به صورت الگوهای ثابت در ذهن نقش می‌بندد. در این تعبیر شریف، دو مفهوم انتزاعی «الْفِتْنَةُ وَالْقَتْلُ» براساس تجربه‌ی کوچک یا بزرگ بودن اشیا و قیاس آنها با هم، تبیین و مفهوم‌سازی شده‌اند. طوری که انگار مفهوم فتنه چیزی است بزرگ و مفهوم قتل چیزی است کوچک‌تر از آن. در فهم این دو مفهوم در تعبیر فوق، بلافاصله تصور کوچکی و بزرگی در ذهن جاری می‌شود و ذهن آنها را با حجم‌پنداری تحلیل می‌کند. ملاحظه می‌شود این تعبیر زیبا در این قالب، تأثیرگذاری بیشتری دارد؛ زیرا ذهن در حالت مقایسه بهتر به کمیت پی می‌برد و مقایسه امری است که انسان در طی تعامل با محیط در بین محسوسات آن را به‌عنوان الگویی در ذهن ثبت کرده است.

فیزیکی است که قابل جابه‌جایی است (قابل آوردن). به نظر می‌رسد این مفهوم‌سازی از کلمه مذکور در جهت عینی‌شدن و فهم‌پذیر بودن آن برای ذهن بشری است. به عبارت دیگر، بشر برای اینکه مفهوم «آیه: نشانه» را درک کند، خداوند متعال آن را با تجربه‌ی حسی «آوردن» بیان کرده و این امر - براساس نظریه طرح‌واره‌های تصویری - متناسب ساختاری است که ذهن انسان در ادراک مفاهیم به کار می‌گیرد.

در آیه ۱۱۵ نیز مفهوم «وَجْهَ اللَّهِ» در تعبیر (... فَأَيُّنَّمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ ...) در فضای کاملاً حسی تجلی یافته است. گویا مظرופی است که در ظرف «أَيُّنَّمَا» یا «تَمَّ» قرار می‌گیرد؛ حال آنکه مفهومی انتزاعی است؛ بنابراین، در قالب طرح‌واره‌ی حجمی بیان شده است. در این تعبیر، دیده می‌شود چگونه مفهوم «وَجْهَ اللَّهِ» با نمودی حسی در دایره ادراک بشری گنجانده شده است؛ وگرنه خداوند دارای صورت نیست. در آیه ۱۳۸ نیز مفهوم «اللَّهُ» در تعبیر (صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً) در بیانی حسی آمده و طرح‌واره‌های حجمی را به وجود آورده است؛ زیرا مفهوم رنگ براساس تجربه‌ی انسانی مربوط به محسوسات است؛ ولی در آیه کریمه به خداوند متعال نسبت داده می‌شود که با این شیوه بیان، مفهوم اللّٰه به شکل محسوس و ملموس‌تری در ذهن جای می‌گیرد. ملاحظه می‌شود مفهوم اللّٰه که وجود حسی ندارد و انتزاعی است، به سبب آنکه برای انسان درک‌شدنی باشد، خداوند از آن به شکلی حسی تعبیر کرده و آن را وارد دنیای محسوسات کرده است.

در تعبیر دیگری در آیه ۱۴۸ مفهوم خیر در تعبیر (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ) با توجه به تجربه‌ی پیشی‌گرفتن (فَاسْتَبِقُوا) مفهوم‌سازی شده است؛ طوری که انگار مفهوم خیر وجود حسی دارد که قابل پیشی‌گرفتن است. شایان ذکر است در این تعبیر، کلمه خیرات بدون واسطه برای سبقت‌گرفتن آمده است؛ انگار سبقت از خود خیر مطرح است و این بیان تأکید بر امر سبقت است؛ یعنی طوری سبقت بگیرید که از خود خیر هم پیش‌تر باشید. این ارتباط

از مفاهیم دیگر در قالب طرح‌واره حجمی در مثل‌های سائره سوره بقره، مفهوم صبر در تعبیر بسیار زیبای (... رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا ...) در آیه ۲۵۰ است. صبر در این تعبیر با تکیه بر تجربه حسی ریختن ذکر شده است. گویا به مانند آب، چیزی ریختنی است. این تعبیر از صبر اشاره به شمولیت آن دارد. با این توضیح که کلمه «أَفْرِغْ» با توجه به فرهنگ لسان‌العرب، ریختن به شکل کامل و همان خالی کردن است که به زیبایی به طلب صبر زیاد و کامل اشاره دارد (صبر را بر سر ما بریز و خالی کن)؛ یعنی به‌طور کامل به ما عطا کن. در این تعبیر، صبر طوری تجلی می‌کند که ملموس باشد و برای انسان درک‌پذیر شود؛ بنابراین، با تجربه ریختن می‌آید که انسان کاملاً آن را می‌شناسد. پس در پرتو این تجربه، صبر که مفهومی انتزاعی است، وارد دنیای محسوسات می‌شود تا برای انسان مأنوس جلوه کند.

در آیه ۲۷۶ دو مفهوم ربا و صدقه نیز به‌صورت حسی آمده‌اند؛ آنجا که می‌فرماید: (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ ...) مفهوم ربا با تجربه «يَمْحَقُ» به «معنی از بین رفتن کامل چیزی، طوری که اثری از آن نماند» (الزُّبَيْدِي، ج ۲۶، ۱۹۹۰م، ص ۳۷۸) و مفهوم صدقات با تجربه رشد دادن (يُزِيلُ) تبیین شده‌اند. گویا ربا چیز محسوسی است که طوری نابود می‌شود که چیزی از آن نمی‌ماند و گویا صدقه گیاهی است که قابل پرورش است. پروراندن، عملی است که انسان آن را از بدو شناخت محیط به‌صورت محسوس در طبیعت درک کرده و به‌صورت الگویی ثابت در ذهن ثبت کرده است. با درک این مفاهیم از طریق تجربه حسی، پیامد دو عمل ربا و صدقه (که مراد آیه است) نیز در ذهن مخاطب تصویرسازی می‌شود (از آن نظر که ربا نابود، اما صدقه پرورش داده می‌شود).

از دیگر مفاهیم آمده در قالب طرح‌واره حجمی، مفهوم خوف در تعبیر (... وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ ...) در آیه ۲۷۷ است.

انگار مفهوم ترس چیزی است که در بالای سر قرار دارد و امکان فرود و نزول برایش هست. آمدن حرف جر علی «خوف» را به لحاظ حسی در موضع بالا قرار داده است. به لحاظ تجربی نیز زمانی که ترس بر انسان وارد می‌شود، گویی چیزی او را فرا گرفته و بر وی استعلا یافته است. اینکه در این تعبیر مفهوم خوف گویا در بالا قرار دارد، تبیین کیفیت این مفهوم است و نشان‌دادن بزرگی و شدت آن که با این بیان حسی ملموس‌تر شده است.

۴-۳. طرح‌واره‌های قدرتی

«قدرت همیشه از طریق تعامل با محیط تجربه می‌شود. هنگامی که نیروی چیزی بر حوزه دریافتی ما اثر می‌گذارد، قدرت آن را درک می‌کنیم» (بلقیس و اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ص ۵۱). همچنین، انسان به تجربه در می‌یابد که در مسیر حرکت، گاه موانعی وجود دارد که راه را سد می‌کنند؛ یعنی دارای نیرو هستند. انسان در برخورد با موانع، تجربیات مختلفی به دست آورده است، گاه عبور از سد ناممکن است و گاه می‌توان از آن سد عبور کرد؛ یعنی سد شکننده است و گاه می‌توان با اتکا به قدرت خود آن سد را کنار زد. انسان با استفاده از این تجربه ساختارمند، بسیاری از مفاهیم انتزاعی را یک مانع و سد مطرح می‌کند که دارای نیروی ایستادگی یا فشارآورنده یا پس‌زننده است. برای درک این حالات به مثال‌ها توجه کنید:

- باید درس سد راه در آمد نشود (درس، سد عبورناپذیر معرفی شده)

- بالاخره از دردسرها عبور کردم (دردسر، سد عبورپذیر)

- در راه دستیابی به ریاست سختی‌ها را کنار زدم (سختی، سدی است که با قدرت فردی شکسته شده است؛ مانع، قابل برداشته شدن است).

در این قسمت به بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در

هماهنگ است؛ با این توضیح که منافقان درباره مثل‌هایی که خداوند درباره آنها زد، گفتند خدا بالاتر از حدی است که چنین مثل‌هایی را بیاورد (یعنی آن را به‌عنوان مانع تصور کردند) و با همین استدلال بر وحی بودن قرآن اظهار تردید کردند (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۴۶)؛ اما خداوند در رد آنها با این آیه، حیا را مانع چنین امری ندانست. طرح مفهوم حیا در قالب طرح‌واره قدرتی به شکل مانع، آن را با استفاده از تجربه انسان مسئله‌ای بزرگ نشان داده که در کلام خداوند مانعیت آن شکسته شده است.

در آیه ۱۲۰ در تعبیر (وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتُهُمْ...) کلمه «حتی» متضمن یک بازه زمانی است که به‌مثابه سدی در برابر رضایت یهود و نصاری است که این سد در صورت تبعیت از دین آنها شکسته می‌شود.

پشت سد (رضایت) ← سد (حتی، بازه زمانی) → پیش از سد (حرکت به سمت رضایت)

طرح‌واره قدرتی دیگر در مثل‌های بررسی‌شده به آیه ۲۵۱ مربوط می‌شود. مفهوم «دفع» در تعبیر (... وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ...) طرح‌واره قدرتی است؛ طوری که گویا دفع کردن خداوند سدی است در برابر فاسدشدن زمین.

پشت سد (فساد زمین) ← سد (دفع کردن خدا) → پیش از سد (حرکت مردم را به‌واسطه همدیگر)

صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى... در آیه ۲۶۴ است. در این تعبیر، دو مفهوم «الْمَنِّ» و «الْأَذَى» در شکل سدی ظاهر شده‌اند که در برابر صدقات (یا عدم ابطال صدقات) قرار می‌گیرند. گویا قبول صدقات با سدی مواجه است: «منت‌نهادن» و «اذیت‌کردن» که در صورت عبور از آن، قبول می‌شود و ابطال نخواهد شد. جلوه‌کردن دو مفهوم منت و اذیت به‌صورت مانع و سد در نظر انسان (که ریشه در تجربیات

مثل‌های سائره سوره بقره، پرداخته می‌شود تا مفاهیمی که از این طریق تبیین و مفهوم‌سازی شده‌اند، روشن شوند:

در آیه ۲۶ سوره بقره در تعبیر (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ...) مفهوم «استحیاء: حیاکردن» در قالب طرح‌واره قدرتی بیان شده است؛ به گونه‌ای که این مفهوم مانند سد و مانعی در برابر آوردن مثل از پشه و کم‌مایه‌تر از آن فهمیده می‌شود. به بیان دیگر، حیا سدی است در برابر ضرب المثل که البته در تعبیر آیه، این سد، مانعی برداشته شده است. در این تعبیر، با توجه به تجربه حسی انسان از مانع و طرح مفهوم حیا تحت این تجربه، درک مفهوم عبارت به سادگی برای انسان میسر می‌شود. با توجه به تعبیر، گویا مخاطب حیا را سدی در برابر آوردن مثل از چیزهای کم‌مقدار می‌داند؛ اما خداوند متعال حیا را مانع و سد نمی‌شمارد. این بیان با شأن نزول آیه نیز

ملاحظه می‌شود در این تعبیر زیبا با استفاده از طرح‌واره قدرتی، خواست یهود و نصاری برای تبعیت از دینشان، چگونه به‌عنوان سدی در برابر رضایت ایشان به اسلام مطرح شده است. این جلوه، به‌زیبایی، معنی را به ذهن می‌فرستد و در آن جایگیر می‌کند.

مفهوم‌سازی از «دفع کردن خداوند مردم را به‌واسطه هم» براساس تجربه حسی مانعیت در ذهن مطرح شده است. در این تعبیر، مفهوم دفع با نوع طرح‌واره موجود همسو شده است (مفهوم دفع به‌عنوان سد جلوه کرده است) که این نیز باعث جایگیری بیشتر مفهوم در ذهن مخاطب است.

از دیگر موارد بارز طرح‌واره قدرتی، تعبیر (... لَا تُبْطَلُوا

حسی او دارد) آنها را اموری به‌غایت زشت و بزرگ (از بعد منفی) به نظر می‌آورد.

پشت سد (قبول یا همان عدم ابطال) | سد (مَنّت و اذیت) | پیش از سد (صدقات)

۴-۴. طرح‌واره‌های حرکتی

ما با تجربه حرکت کردن در جهان مادی، برای مفاهیم مختلف در تعابیر زبانی فضایی را به وجود می‌آوریم که گویا می‌توان در آن سیر کرد (صفوی، ۱۳۸۲ش، ص ۶۹). در این تعمیم ذهنی، برای تبیین مفاهیم، آنها را به صورت مبدأ یا مقصد یا مسیر در نظر می‌آوریم. در طرح‌واره حرکتی، یک مفهوم انتزاعی را فضایی قابل حرکت در آن یا از آن یا به آن می‌دانیم؛ برای مثال، در جمله «رفتم به سمت سختی‌ها» برای سختی مسیری در نظر گرفته شده است که پس از طی آن می‌توان به آن رسید؛ گویا سختی مقصدی است که با طی مسافتی قابل دستیابی فیزیکی است. این طرح‌واره در واقع برآمده از تجربه حرکت و رسیدن است که به شکل یک ساختار در ذهن دارای الگویی ثابت شده است. اکنون این نوع از طرح‌واره در مثل‌های سوره بقره بررسی می‌شود:

در آیه ۱۴۹ سوره بقره در تعبیر (... وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ...) دو کلمه حق و رب در قالب طرح‌واره حرکتی مطرح شده‌اند؛ با این توضیح که گویا حق رونده‌ای است که از جانب و مبدأ خداوند آمده است؛ یعنی در این تعبیر، فرض حرکت بر این است که مبدأ رب است و حرکت‌کننده، حق است. درک این دو مفهوم با توجه به تجربه حرکت در ذهن حاصل می‌شود؛ زیرا تجربه حرکت متشکل از مبدأ، مسیر، مقصد و حرکت‌کننده است. با این نگاه شناختی، درک آیه ملموس‌تر به نظر می‌رسد.

در آیه ۲۳۷ نیز در تعبیر (... وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى ...) مفهوم تقوی در قالب طرح‌واره حرکتی بیان شده است؛ با

این توضیح که مفهوم دوری و نزدیکی در حافظه تجربی انسان با توجه به مسافت موجود از یک مبدأ تا یک مقصد، ساختارمند شده است. در این تعبیر نیز تقوی به شکل مقصدی در نظر می‌آید که بخشش باعث نزدیکی به آن است. بیان مفهوم تقوی در قالب طرح‌واره حرکتی (مقصد) با معنای آن نیز هماهنگ است؛ زیرا تقوی مقصد تعالیم اخلاقی است.

طرح‌واره حرکتی دیگر در مثل‌های بررسی شده در تعبیر (قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى ...) در آیه ۲۶۳ است. در تعبیر موجود دو مفهوم «صَدَقَةٌ» و «أَذَى» در پرتو تجربه حرکت تبیین شده‌اند؛ طوری که گویا این دو مفهوم راهرو و رونده‌ای هستند که در مسیری حرکت می‌کنند و انسان این دو مفهوم را با توجه به تجربه حرکت که عمل تبعیت اینجا دال بر آن است، در ذهن تداعی می‌کند.

در پایان تحلیل طرح‌واره‌های تصویری، بسامد انواع آن در مثل‌های سائره سوره بقره و تجربیاتی که تحت آنها بیان شده‌اند، در جدول‌های شماره ۱ و ۲ ارائه می‌شود:

(جدول شماره ۱)

انواع طرح‌واره	تعداد	درصد
حجمی	۲۸	۷۳٫۵%
قدرتی	۵	۱۳٫۲۵%
حرکتی	۵	۱۳٫۲۵%
مجموع	۳۸	۱۰۰%

(جدول شمارهٔ ۲)

طرح‌وارهٔ قدرتی		طرح‌وارهٔ حرکتی		طرح‌وارهٔ حجمی	
سندشونده	مفهوم انتزاعی	تجربه مربوط به مفهوم	مفهوم انتزاعی	تجربه مربوط به مفهوم	مفهوم انتزاعی
آوردن مثل	استحیاء	مِن (مبدأ)	حق	علی (مکانندی)	هدایت / خوف
رضایت	حَتَّى (بازه زمانی)	مِن (مبدأ)	ربّ	فی (مکانندی)	قلب
حرکت مردم	دفع	أَقْرَب (مقصد)	تقوی	مظروف (حجم‌مندی)	مرض
قبول صدقه	مَنْت	تبعیت (رهرو)	صدقه	فی (مکانندی)	آخرت
قبول صدقه	اذیت	تبعیت (رهرو)	اذیت	فی (مکانندی)	قصاص
				مظروف (حجم‌مندی)	حیاء
				فی (مکانندی)	سِلْم
				فی (مکانندی)	أیمان
				مظروف (حجم‌مندی)	لغو
				فی (مکانندی)	دین
				فی (مکانندی)	اکراه
				ضرب (داغ زدن)	الذُّكُ / المسکنه
				آوردن / گرفتن	آیه / آیات
				ثمّ (مکانندی)	وجه الله
				رنگ (حجم‌مندی)	الله
				پیشی گرفتن	خیر
				انداختن	تهلکه
				توشه برداشتن	تقوی
				بزرگی یا کوچکی	فتنه / قتل
				ریختن (خالی کردن)	صبر
				دادن	حکمه / خیر
				نابودشدن	ربا
				پرورش یافتن	صدقه

۵. نتایج

با توجه به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در مثل‌های سائره در سورهٔ بقره چنین به دست آمد:

- طرح‌واره‌های تصویری سازوکاری را فراهم کرده‌اند که مفاهیم انتزاعی در مثل‌ها در محدودهٔ فهم و ادراک انسانی باشند و متناسب با ساختار ذهن او قرار بگیرند.

- بسیاری از مفاهیم انتزاعی موجود در مثل‌های بررسی‌شده به صورت محسوس جلوه کرده‌اند که این با یکی از فواید مثل، یعنی محسوس کردن معقولات، هماهنگی دارد.

- تعداد ۷ مورد (۲۵٪) از طرح‌واره‌های حجمی با

حرف فی به صورت مکان‌مند جلوه کرده‌اند که این امر به نقش مهم این حرف در مفهوم‌سازی مفاهیم غیر عینی اشاره دارد. به‌طور کلی، طرح‌واره‌های حجمی در راستای حسی‌شدن و ملموس‌بودن مفاهیم انتزاعی و در راستای تبیین کیفیت مفاهیم، نشان‌دادن شدت و بزرگی و جای‌گیری در دایرهٔ ادراک بشری آمده‌اند. طرح‌واره‌های قدرتی در راستای مانع جلوه‌کردن یک مفهوم یا برای پی‌بردن به ماهیت آن مطرح شده‌اند و طرح‌واره‌های حرکتی نیز مفاهیم را به شکل مبدأ یا مقصد یا رونده نشان می‌دهند.

- بسیاری از مفاهیم مهم دینی مانند: هدایت، دین،

تصویری از دیدگاه معناشناسی شناختی. نامه فرهنگستان، ۱، ۸۵-۶۵.

عابدی جزینی، نفیسه ربانی و زهره ربانی. (۱۳۹۷ش). بررسی طرح‌واره‌های تصویری عذاب در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی. تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۳، ۱۵۷-۱۲۷.

قائمی، مرتضی و اختر ذوالفقاری. (۱۳۹۵ش). طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر دنیوی و اخروی از زبان قرآن. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۳، ۲۲-۱.

لیکاف، جورج و مارک جانسون. (۱۳۹۷م). استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم. ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: آگاه.

محمد قاسمی، حمید. (۱۳۹۰ش). تمثیلات قرآن و جلوه‌های تربیتی آن. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل. چاپ سوم.

مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. استفاده‌شده از نرم‌افزار قرآنی بشارت نسخه ۲،۰. محصول شرکت پرینان پردازش پارس. سال ۱۳۸۶-۱۳۹۱ش. تاریخ ارائه نسخه: www.parnianportal.com ۷/۹/۱۳۹۱

منابع عربی

ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل محمد بن مکرم. (بی‌تا). لسان العرب. بتحقیق عبد الله علی الکبیر، محمد أحمد حسب الله و هاشم محمد الشاذلی. القاهرة: دار المعارف.

ابن یوسف، ضیاء الدین الحدائق الشیرازی. (۱۳۶۳ش). امثال القرآن الکریم. تهران: اساطیر. چاپ اول.

الزبیدی، السید محمد مرتضی الحسینی. (۱۹۹۸م). تاج العروس من جواهر القاموس. بتحقیق مصطفی حجازی. الكويت: المجلس الوطنی للثقافة والفنون والآداب. الزین، سمیح عاطف. (۲۰۰۹م). معجم الأمثال فی القرآن الکریم. الطبعة الثانية. القاهرة: دار الكتاب المصری.

آخرت، آیه، صبر، حکمت و صدقه در قالب طرح‌واره حجمی آمده‌اند تا از این طریق، مانند محسوسات جلوه کنند و با ادراک انسانی که ریشه در محسوسات دارد، فهم‌پذیر شوند.

- مفاهیم انتزاعی مطرح‌شده در قالب طرح‌واره‌های سه‌گانه، به شکل قابل ملاحظه‌ای با نوع طرح‌واره (از قبیل: حجمی، قدرتی و حرکتی) هماهنگی زیادی دارند. از جمله آنکه مفاهیمی مانند «منت، اذیت و دفع کردن» در نوع قدرتی مفهوم‌سازی شده‌اند که به نوعی در معنای خود دارای بازدارندگی هستند. همچنین، مفاهیمی مانند «تقوی، صدقه و حق» با نوع حرکتی مقصد یا مبدأ هماهنگی دارند. توجه به بعد شناختی در طرح‌واره‌های موجود در مثل‌های مطالعه‌شده، سبب گسترش معنای آنها در ذهن می‌شود و مفاهیم انتزاعی در دامنه وسیع‌تری درک می‌شوند؛ زیرا طرح یک مفهوم تحت تجربیات ساختارمند در ذهن، سبب می‌شود اطلاعات مرتبط با آن تجربه نیز به آن مفهوم خاص سرایت کند و درک بهتری اتفاق بیفتد.

کتابنامه

منابع فارسی

قرآن کریم.

راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۳ش). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. چاپ چهارم.

روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی. (۱۳۹۲ش). مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی. تهران: نشر علم. چاپ اول.

زرکوب، منصوره و مرضیه فیاض. (۱۳۹۲ش). پژوهشی در وجوه بیانی مثل‌های قرآنی. کاوش در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم، ۱، ۳۷-۱۹.

شهبازی، علی‌اصغر و علیرضا شیخی. (۱۴۰۰ش). تحلیل شناختی اقسام طرح‌واره‌های تصویری مثل‌ها در نهج البلاغه. پژوهشنامه نهج البلاغه، ۳۵، ۳۵-۱۹.

صفوی، کورش. (۱۳۸۲ش). بحثی در باره طرح‌های

- Visual Schemas in The Field of Worldly and Hereafter Travel from The Language of The Qur'an. *Scientific Research Quarterly of Qur'anic Literary Researches*, 3, 1-22.
- Lekoff, George and Mark Johnson. (2018). *The Metaphors We Live with*. Translated by Jahanshah Mirzabigi. Tehran: Aghaz.
- Mohammad Ghasemi, Hamid. (2018). *Proverbs of The Qur'an and its Educational Effects*. Tehran: International Publishing Company.
- Makarem Shirazi, Nasser. *Nemouneh Interpretation. Used in Quranic Software Besharat Version 2.0*. Product of Pernian Processing Pars Company. 1386-1391. 9/7/2013 www.parnianportal.com.
- Arabic Sources**
- Ibn Manzoor, Jamal al-Din Abulfazl Muhammad bin Mukram. (n.d). *Arabic Language*. Investigated by Abdullah Ali Al-Kabeer, Muhammad Ahmed Hasbullah and Hashim Muhammad Al-Shazili. Cairo: Dar al-Maarif.
- Ibn Yusuf, Zia al-Din al-Hadaiq al-Shirazi. (1984). *Proverbs of The Holy Qur'an*. Tehran: Asatir.
- Al-Zubaidi, Al-Sayed Mohammad Morteza Al-Husseini. (1998). *Taj al-Arus*. Investigated by Mustafa Hejazi. Al Kuwait: National Council for Culture, Arts and Letters.
- Al-Zin, Samih Atef. (2009). *The Dictionary of Proverbs in The Holy Qur'an*. Second Edition. Cairo: Dar al-Kitab al-Misri.
- Al-Samerrai, Fazil Salih. (2000). *Grammar Meanings*. First Edition. Oman: Dar Al-Fikr.
- Al-Shahrani, Iman bint Masoud Ali. (2014). *The Beauty of Proverbs in Surah Al-Baqarah*. *Arabic Studies in Education and Psychology*, Al-Mamlakah Al-Saudiya, No. 54, 221-249.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (2017). *The Translation of The Interpretation of Majma al-Bayan*. Ali Karami. Qom. Tebyan Cultural and Information Institute.
- Ameri, Abdul Aali. (2020). *Cognitive Semantics and Meaning Engineering*. *Journal of Babol university for Human Sciences*, No. 8, 374-364.
- السامرائی، فاضل صالح. (۲۰۰۰م). معانی النحو. الجزء الثالث. الطبعة الأولى. عمان: دار الفكر.
- الشهرانی، ایمان بنت مسعود علی. (۲۰۱۴م). جمال الأمثال فی سورة البقرة. *دراسات عربیة فی التریب و علم النفس، المملكة السعودیة، العدد ۵۴، ۲۲۱-۲۴۹*.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۷ش). *ترجمة تفسیر مجمع‌البیان*. علی کرمی. قم. موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- العامری، عبدالعالی. (۲۰۲۰م). *الدلالة المعرفیة وهندسة المعنى*. *مجلة جامعة بابل للعلوم الإنسانیة، العدد ۸، ۳۷۴-۳۶۴*.
- Bibliography**
- Persian Resources**
- The Holy Quran.**
- Rasikhmohannad, Mohammad. (2013). *An Introduction to Cognitive Linguistics: Theories and Concepts*. Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities.
- Roshan, Balqis and Leila Ardabili. (2012). *An Introduction to Cognitive Semantics*. Tehran: Science.
- Zarkoub, Mansoura and Marzieh Fayyaz. (2012). *Research on The Expressive Aspects of Quranic Proverbs. Exploring The Linguistic Researches of The Holy Quran*, 1, 19-37.
- Shahbazi, Ali Asghar and Alireza Sheikhi. (2021). *Cognitive Analysis of Types of Imaginary Schemas of Proverbs in Nahj al-Balagha*. *Nahj al-Balagha Research Journal*, 35, 19-35.
- Safavi, Kouros. (2012). *A Discussion About Visual Designs from The Perspective of Cognitive Semantics*. *Farhangistan Letter*, 1, 65-85.
- Abedi Jazini, Nafiseh Rabbani and Zohra Rabbani. (2017). *Examining The Visual Schemas of Torment in The Holy Quran from The Perspective of Cognitive Linguistics*. *Quran and Hadith Science Research Al-Zahra University*, 3, 157-127.
- Ghaemi, Morteza and Akhtar Zulfaqari. (2016).